

حق شنندی در شبکه های مجازی

ترجمه: ساره نعمت اللهی

انتشار: سایت حق کودکی

<http://right-to-childhood.com>

هوشمندی در شبکه‌های مجازی

کتاب راهنما برای بزرگسالان، پیرامون چگونگی محافظت از کودکان در برابر سوءاستفاده‌های جنسی در اینترنت

ماریا شیلاسی

سازمان نجات کودکان-سوئد، ۲۰۱۵

ترجمه: ستاره نعمت‌اللهی

انتشار: سایت حق کودکی

ارجاع: شیلاسی، ماریا (۲۰۱۵). هوشمندی در شبکه‌های مجازی: کتاب راهنما برای بزرگسالان، پیرامون چگونگی محافظت از کودکان در برابر سوءاستفاده‌های جنسی در اینترنت. ترجمه‌ی نعمت‌اللهی، ستاره. سازمان نجات کودکان-سوئد. سایت حق کودکی، ۲۰۱۶

اینترنت به یک بخش عادی زندگی روزمره‌ی کودکان تبدیل شده است. جایی که بازی می‌کنند، دوستان خود را ملاقات کرده و چیزهای جدیدی یاد می‌گیرند. از طریق اینترنت، دنیای بیرون برای کودکان بیشتر قابل دسترس شده است. اما در عین حال، آنها هم برای دنیای بیرون قابل دسترس‌تر شده‌اند. هر جا که کودکان حضور دارند، عده‌ای نیز هستند که می‌خواهند برای اهداف جنسی با آنها ارتباط برقرار کنند، افرادی که سادگی و صداقت کودکان را مورد خشونت قرار داده و مرتکب عمل خطرناک آزار و سوءاستفاده از آنها می‌شوند. چنین جرائمی روزبه‌روز بیشتر رایج شده و به شدت رو به افزایش هستند.

برای والدین یا دیگر بزرگسالانی که با کودکان زندگی کرده یا در ارتباط نزدیک با آنها کار می‌کنند، پی‌گیری اینکه کودکان در فضای آنلاین چه می‌کنند به نظر دشوار و حتی امکان‌ناپذیر است و در نتیجه محافظت از آنان نیز مشکل می‌شود. اما راه‌های بسیاری برای پشتیبانی و راهنمایی کودکان در اینترنت وجود دارند که مانع از صدمه دیدن آنها یا به دردمس افتادن‌شان می‌شوند. اولین و مهمترین قدم، سهیم شدن با کودکان در تمام فعالیت‌های اینترنتی آنها است. به همان اندازه که پرسیدن «امروز تمرین فوتبال چطور بود؟» یا «مدرسه چه خبر؟» عادی است، پرسیدن «امروز در اینترنت چه خبر بود؟» نیز باید طبیعی باشد.

کتاب راهنمای حاضر، گردآوری توصیه‌هایی از روان‌شناسان کودک، پلیس و روایت‌های شخصی کسانی است که مورد آزار و سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. ما امیدواریم که این کتاب، گفت‌وگوی بزرگسالان با کودکان، پیرامون خطرات اینترنت را آسان‌تر کند و در عین حال الهام‌بخش شما باشد و کمک کند که بخشی از فعالیت‌های روزانه‌ی اینترنتی کودکان باشید.

هرچه بیشتر بدانیم، بیشتر در جریان خواهیم بود، و هرچه بیشتر پیرامون سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان که در اینترنت اتفاق می‌افتد حرف بزنیم، بیشتر خواهیم توانست از کودکانمان محافظت کنیم.

الیزابت داهین

دبیر کل سازمان نجات کودکان

امروز کدام یکی از دوستانه‌ت رو توی
اینترنت دیدی؟

دوست دارم باهدیکه به چیزهایی راجع به
اینترنت یاد بگیریم.

کودکان و اینترنت

اینکه کودکان می‌خواهند با دیگران از طریق اینترنت ارتباط برقرار کنند اساساً طبیعی و مثبت است. آنلاین فضای خارق‌العاده‌ای برای یافتن دوست‌های جدید و ارتباطات تازه است.

اما لازم است که والدین و دیگر بزرگسالان - و خود کودکان - آگاه باشند که اینترنت خطرهایی نیز دارد. ما به خصوص باید بدانیم افرادی سعی دارند با اهداف جنسی با کودکان ارتباط برقرار کنند و دوست دارند در وبسایت‌هایی که در میان کودکان محبوب است مکرراً رفت و آمد کنند. کودکانی که ارزیابی ماهیت تماس‌ها برای‌شان مشکل است، یا از اختلالات ذهنی رنج می‌برند، یا از حمایت‌های کافی اجتماعی برخوردار نیستند، آسیب‌پذیرتر هستند. با این حال، می‌دانیم که هر کودکی می‌تواند هدف سوءاستفاده در اینترنت قرار بگیرد.

ممکن است صحبت با کودکان پیرامون این که در اینترنت چه کار کرده‌اند و با چه کسی آشنا شده‌اند برای‌مان مشکل باشد. به خصوص که معمولاً دانش کودکان در این زمینه بیشتر است و از اصطلاحات و کلمات اختصاری‌ای استفاده می‌کنند که ممکن است متوجه نشویم. اما مساله این نیست که ما تخصصش را داشته باشیم، مهم این است که بتوانیم رابطه‌ای برقرار کنیم که در آن حرف زدن درباره‌ی اینترنت مانند حرف زدن درباره‌ی هر اتفاق روزمره‌ی دیگر، طبیعی باشد.

ما هیچ وقت اجازه نمی‌دهیم کودکانمان در شهر گم شوند. در نتیجه، همین اصل در مورد اینترنت هم صادق است. گرچه اینترنت یک دنیای دیجیتالی است، اما ساکنان آن مردمان واقعی هستند.

عزت نفس "خود-عکس" محور

همانطور که در دنیای معمولی، اتفاق‌ها، تماس‌ها و روابط، هویت کودکان را شکل می‌دهند، در دنیای مجازی هم همان تاثیر را دارند. در دنیای مجازی، شکل دیگری از عزت نفس ابداع شده است: عزت نفس "خود-عکس" محور! این اصطلاح، روش بالارفتن اعتماد به نفس و عزت نفس از طریق بازخوردهای عکس‌هایی که در اینترنت به اشتراک می‌گذاریم را توصیف می‌کند، بازخوردهای روشنی مانند تعداد پسندها (لایک‌ها) و پیروان و نظرها. کودکان از سنین خیلی پایین، تاییدها و تصدیق‌هایی دریافت می‌کنند که در دنیای واقعی مطابقت با آن بسیار مشکل است. همچنین آنها می‌پذیرند خود را با معیارهای متداول مربوط به عکس‌ها تطبیق دهند؛ به عنوان مثال، ارسال عکس به شکل معینی به منظور دریافت تأیید و حمایت بیشتر.

نیاز به تأیید شدن، نیازی انسانی است که در هر سن و سالی برای مغز مانند اکسیژن روانی کار می‌کند. کسانی که از اینترنت برای پیدا کردن کودکان و مقاصد جنسی استفاده می‌کنند، از این نیاز بهره‌برداری می‌کنند. آنها در مکان‌هایی که کودکان حضور دارند مکرراً رفت و آمد کرده و می‌دانند که چگونه از میل به تأیید شدن در نگاه دیگران که در همه‌ی انسان‌ها وجود دارد، بهره‌برداری کنند.

به جای تعیین قید و بند، صحبت با کودکان پیرامون عزت نفس "خود-عکس" محور از این منظر، راه را برای بحث درباره‌ی این موضوع آسان‌تر می‌کند. والدین و دیگر بزرگسالان همیشه الگوی کودکان خواهند بود و کودکان اغلب آنچه که شما انجام می‌دهید را کپی می‌کنند و نه آنچه را که می‌گویید.

با کودک صحبت کنید و از او سوال کنید: یک "لایک" واقعاً چه معنایی دارد؟ چه حسی داری اگر هیچ "لایکی" دریافت نکنی؟ چه عکس‌هایی را پست کنیم و واقعاً چه کسانی می‌توانند آن را ببینند؟ سعی کنید از خودتان هم این سوال‌ها را بپرسید! این می‌تواند راه خوبی برای درک بیشتر کودکان باشد.

سوءاستفاده‌ی جنسی در اینترنت

سوءاستفاده‌ی جنسی در اینترنت چیست؟

خشونت و سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان یعنی هرگونه عمل جنسی که توسط شخص دیگری به یک کودک تحمیل شود. سوءاستفاده می‌تواند به عنوان فیزیکی و غیرفیزیکی دسته‌بندی شود. بیشتر سوءاستفاده‌های اینترنتی با نوع غیرفیزیکی آن شروع شده و بعدها از طریق تهدید و حق‌السکوت به سوءاستفاده‌ی فیزیکی تبدیل می‌شوند. یک مثال برای سوءاستفاده‌ی غیرفیزیکی این است که از کودک خواسته شود در مقابل دوربین کامپیوتر ژست‌های مشخصی بگیرد. بعضی اوقات این درخواست می‌تواند تا جایی پیش برود که در حین آنکه فرد متخلف در حال تماشا است، کودکان مجبور به سوءاستفاده‌ی فیزیکی از خود شوند. این عمل را اغلب تجاوز مجازی می‌نامند تا بدین طریق با تجاوز فیزیکی فرق قائل شوند.

آماده‌سازی برای فریفتن کودک یعنی چه؟

اقدام برای دوست شدن با کودک، به خصوص در اینترنت، به منظور سعی در ترغیب وی به داشتن رابطه‌ی جنسی. این عمل در

بسیاری از کشورها جرم محسوب می‌شود.

صرف‌نظر از اینکه سوءاستفاده فیزیکی بوده یا غیرفیزیکی، کودک مذکور، قربانی خشونت جنسی جدی محسوب می‌شود و اعمالی از این دست جرم جنایی به شمار می‌آیند. چه این عمل در اینترنت اتفاق افتاده باشد چه نباشد، پیامدهای آن برای کودک یکسان است.

این عمل چقدر متداول است؟

آمار کشورهای مختلف نشان می‌دهد که گزارش‌های مربوط به بهره‌کشی از کودکان برای نمایش جنسی به طور چشمگیری افزایش داشته و جرائم گزارش شده به پلیس، تنها بخش کوچکی از آنچه که اتفاق می‌افتد، هستند. اگرچه تعداد دقیق آن نامعلوم است، اما تخمین زده می‌شود که میلیون‌ها تصویر مربوط به سوءاستفاده از کودکان، در اینترنت در حال پخش شدن هستند. این تصاویر، نمایش کودک در حال انجام اعمال واقعی یا شبیه‌سازی شده را شامل می‌شوند. وقتی به گزارش‌های ارائه شده به پلیس در رابطه با سوءاستفاده جنسی از کودکان دقت کنیم، تفاوت‌های عمده‌ی جنسیتی قابل مشاهده هستند. در اکثر موارد، قربانی، یک دختر است و آنکه سوءاستفاده می‌کند یک مرد. البته، نشانه‌های زیادی وجود دارند که تعداد کمی از خشونت‌های جنسی علیه کودکان پسر به پلیس گزارش داده می‌شوند و داده‌های قابل مقایسه در مورد مقاربت جنسی تحمیلی و دیگر اعمال جنسی تحمیلی در میان کودکان پسر، تنها در مورد تعداد بسیار کمی از کشورها دسترس است.

چگونه اتفاق می‌افتد؟

کسانی که برای فریفتن کودکان اقدام به "آماده‌سازی" می‌کنند، در اینترنت به دنبال مکان‌هایی می‌گردند که می‌دانند کودکان از آنجا استفاده می‌کنند. آنها معمولاً وانمود می‌کنند که فرد دیگری هستند و از اسم و عکس پروفایل ساختگی استفاده می‌کنند. اولین تماس، معمولاً در اتاق‌های گفت‌وگو یا گروه‌های معاشرتی مشابه اتفاق می‌افتد. سپس فرد متخلف، اغلب با دوربین کامپیوتری تلاش می‌کند مکالمه را به مکان خصوصی تری بکشاند، از این طریق می‌تواند آزادی عمل بیشتری داشته باشد و به اطلاعات بیشتری در مورد کودک از جمله آدرس، شماره تلفن، دوستان و خانواده‌ی او دسترسی پیدا کند. فرد فریبکار اغلب تلاش می‌کند با تظاهر به داشتن علاقه‌مندی‌های مشترک، رابطه‌ای را شکل دهد و اعتمادسازی کند. معمولاً تماس اولیه، با استفاده از دستکاری‌های ظریف ذهنی و تهدیدهای در لفافه مثبت پیش می‌رود؛ سپس تغییر کرده و ماهیت جنسی پیدا می‌کند.

همچنین، اینترنت این امکان را برای فرد متخلف فراهم می‌کند که تصاویر کودکان را به اشتراک بگذارد.

کودکان چگونه گرفتار چنین تماسی می‌شوند؟

برای یک بزرگسال درک اینکه یک کودک چطور گرفتار چنین رابطه‌ی ویرانگری می‌شود می‌تواند مشکل باشد. فرد متخلف معمولاً زیرک است و استراتژی‌های مختلفی را امتحان خواهد کرد. یک روش معمول، متقاعد کردن کودکان برای ارسال یک

عکس یا فیلم از خود است که بعداً فرد متخلف از آن به عنوان حق‌السکوت استفاده کرده و کودک را به پخش آن در بین دوستان و خانواده‌اش تهدید می‌کند. حتی بعد از فرستادن یک عکس، بسیاری از کودکان احساس شرم و گناه می‌کنند و در نتیجه دربارهی آن حرف نمی‌زنند، این چیزی است که فرد مجرم از آن بسیار آگاه است. کودک در یک نوع «تله‌ی شرم» گرفتار می‌شود.

در عین حال ما باید به خاطر داشته باشیم که کودکان به طور طبیعی کنجکاو هستند و تمایل دارند روابط جنسی را کشف کنند. چیزی که خیلی زودتر از زمان مورد نظر بزرگترها اتفاق می‌افتد. کنجکاوی کودک که برای مثال باعث می‌شود خود شروع‌کننده‌ی تماس باشد، اغلب باعث افزایش احساس گناه و شرم می‌شود و این حس گناه، درخواست کمک را برای وی مشکل‌تر می‌کند.

آیا کودک علامت هشداردهنده‌ای بروز می‌دهد که شما باید به آن توجه کنید؟

مهم‌ترین مساله برای والدین و دیگر بزرگسالان این است که هوشیار باشند و متوجه هرگونه تغییر در سلامتی و رفتار کودک باشند. به عنوان مثال، عادات‌های غذایی و خواب متفاوت، نرفتن به مدرسه یا فعالیت‌های فوق برنامه و نوسانات خلقی. اما در برخی موارد کودک هیچ نوع علامتی از خود بروز نمی‌دهد. مهم است که بدانیم برای کودکانی که مورد سوءاستفاده‌ی جنسی در اینترنت قرار گرفته‌اند، هیچ نشانه‌ی همگانی و مشترکی وجود ندارد. اگر نگران هستید، از کودک پرسید و این پرسش را بیش از یک‌بار انجام دهید. صبور باشید، جا نزنید و دور نشوید، علاقه نشان دهید، اما سعی کنید منطبق با شرایط کودک این کار را انجام دهید.

خیلی خوشحالم که این روبم نشون دادی

کودکان خردسال

هرچه کودک کوچکتر باشد، تعیین پیش‌شرط توسط بزرگترها برای استفاده‌ی امن و بهینه از اینترنت ساده‌تر است. به همین دلیل مهم است که کنار کودک بنشینید و به محض کشف بازی‌ها و فیلم‌ها و دیگر چیزهای جالب در تلفن‌های هوشمند، تبلت و کامپیوتر توسط آنها، خود را وارد جریان کرده و درگیر موضوع شوید. برای بسیاری از کودکان این موضوع از سنین دو سالگی شروع می‌شود.

بیشتر والدین توافق دارند که تلویزیون نباید به عنوان پرستار بچه مورد استفاده قرار گیرد، ما باید همین رویکرد را نسبت به تلفن‌های همراه و تبلت‌ها داشته باشیم. به همان ترتیبی که نمی‌گذاریم کودکان مان تنها در شهر راه بروند، نباید بگذاریم در اینترنت تنها بمانند. با علاقه نشان دادن و درگیر شدن، می‌توانیم به کودکان مان آموزش دهیم که اینترنت چیزی است که ما با آنها سهیم هستیم. با پرسیدن سوال و نظر دادن، می‌توانیم نشان دهیم که صحبت درباره‌ی آنچه بر روی صفحه‌ی کامپیوتر

می‌گذرد عادی است و این پایه‌ریزی یک گفت‌وگوی مثبت و صریح برای زمانی است که کودک بزرگتر می‌شود. اگر بزرگترها دنیای مجازی‌شان را با کودکان سهیم شوند، آنها راحت‌تر و طبیعی‌تر درباره‌ی تجربه‌های‌شان در اینترنت، چه مثبت و چه منفی، صحبت خواهند کرد.

یک راه خوب برای سهیم شدن در اینترنت، انتخاب بازی‌ها، نرم‌افزارها و فیلم‌ها به همان روشی است که قصه‌های شب را با آنها انتخاب می‌کنیم. دقیقاً مانند زمانی که یک کتاب قصه با هم می‌خوانیم، می‌توانیم با هم مقابل صفحه‌ی کامپیوتر نشسته و یک زمان امن و دنج را سپری کنیم. اجازه بدهید کودکان آنچه را که در بازی یا فیلم می‌گذرد به شما نشان داده و یا درباره‌ی آن حرف بزنند، و به آنها نشان دهید که به آنچه می‌گویند علاقه‌مند هستید و می‌خواهید بیشتر یاد بگیرید. وقتی آنها برای خواندن یا جهت‌یابی بر روی صفحه‌ی کامپیوتر کمک خواستند، باید با گفتن «چه خوب که پرسیدی»، یا «خیلی خوشحالم که این رو بهم نشون دادی» تشویق‌شان کنیم. با چنین کاری رفتار مثبت اینترنتی را تقویت می‌کنیم، رفتاری که می‌خواهیم کودکانمان وقتی مدرسه را شروع کردند یا در سال‌های نوجوانی هم آن را ادامه دهند. زمانی که کاری به روش درست انجام شود، کودکان یاد می‌گیرند.

وقتی کودکان از اینترنت استفاده می‌کنند درگیر موضوع شوید. با علاقه نشان دادن، به کودکانمان یاد می‌دهیم اینترنت چیزی است که با هم سهیم می‌شویم.

وقتی کودکان به سن ۴ یا ۵ می‌رسند، می‌توانیم حرف زدن درباره‌ی خطرات اینترنت را شروع کنیم، برای مثال: بعضی‌ها هستند که راستگو نیستند و وانمود می‌کنند که فرد دیگری هستند، آنها می‌خواهند «کارهای بد» بکنند. اما مهم است که کودکان را به وحشت نیندازیم. چیزهایی که ترس را تحریک می‌کنند، باعث تحریک کنجکاوی نیز می‌شوند. بهترین راه گفت‌وگوی با کودکان درباره‌ی موضوعات دشوار و خطرناک، بی‌طرفانه و عینی صحبت کردن با آنها و خودداری از انتقال ترس‌های خودمان از طریق کلمات است. برای مثال شما می‌توانید بگویید:

“در اینترنت افرادی وجود دارند که وانمود می‌کنند آدمهای خوبی هستند ولی در واقع صادق نیستند و می‌خواهند به کودکان آسیب برسانند.”

“من می‌خواهم با یکدیگر در اینترنت بگردیم، همان‌جوری که وقتی از خیابان رد می‌شویم، دست را می‌گیرم. زیرا می‌خواهم از تو محافظت کنم و چیزهایی در مورد اینترنت به تو یاد بدهم تا وقتی بعدها بزرگتر شدی بتوانی خودت راحت را پیدا کنی و بدانی که با چه کسانی می‌توانی یا نمی‌توانی ارتباط برقرار کنی.”

اما حتی اگر شما اخطار بدهید و راجع به خطرات اینترنت صحبت کنید، بهترین راه برای کمک به کودکان پیش‌دبستانی استفاده از اینترنت در همراهی با یک فرد بزرگسال است. از این طریق می‌توانیم راهنمایی‌های لازم و مناسب را ارائه داده و از به دردرس افتادن آنها در آینده جلوگیری کنیم.

- سعی کنید از تبلت به عنوان پرستار بچه استفاده نکنید. در عوض از آن به عنوان فرصتی استفاده کنید که همراه با کودک، دنیای آن را سیاحت و کشف می‌کنید.
- وقتی کودک‌تان نرم‌افزار، بازی و فیلم انتخاب می‌کند نقش فعالی داشته باشید، بدین طریق، احساس با هم بودن در مقابل صفحه‌ی کامپیوتر را به وجود می‌آورید.
- کودکان را ترغیب کنید که شما را وارد فعالیت‌های اینترنتی‌شان کنند.
- بدون اینکه کودکان را به وحشت بیندازید، درباره‌ی خطرهای اینترنت صحبت کنید. وحشت می‌تواند کنجکاوی را تحریک کند.

رازهای خوب و بد

یک توصیه‌ی خوب این است که به کودکان خردسال تفاوت بین رازهای خوب و بد را یاد بدهید. هدایایی که شما در مناسبت‌های خاص دریافت می‌کنید، مانند جشن تولدها و عیدی‌ها، مثال‌های خوبی برای رازهای خوب هستند. این‌ها چیزهایی هستند که آدم‌ها را خوشحال می‌کنند. شما رازهای خوب را با بقیه در میان نمی‌گذارید. رازهای بد، آنهایی هستند که نگران‌تان می‌کنند و باعث درد شما می‌شوند. شما اجازه دارید رازهای بد را با دیگران در میان بگذارید حتی اگر کسی بگوید که نباید این کار را بکنید.

حرف زدن درباره‌ی رازهای خوب و بد، راهی است برای متقاعد کردن کودکان به صحبت در مورد چیزهای نامطلوبی که چه در اینترنت و چه در زندگی واقعی تجربه می‌کنند.

کودکان در سنین مدرسه

وقتی کودکان دوره‌ی پیش‌دبستانی را پشت‌سر گذاشتند، به جهانی گسترده‌تر همراه با عقاید و تماس‌های جدید وارد می‌شوند. این موضوع هم در مورد دنیای اینترنتی و هم دنیای واقعی صادق است. برای کودکانی که از پیش یاد گرفته‌اند فعالیت‌های روزمره‌ی اینترنتی‌شان را با بزرگترها به اشتراک بگذارند، طبیعی است که در طول سال‌های تحصیل نیز این روش را ادامه دهند.

با وجود اینکه کودکان با گذر زمان مستقل‌تر می‌شوند، خودشان می‌توانند از روی صفحه‌ی نمایش بخوانند و بعضی اوقات

در استفاده از تکنولوژی از بزرگسالان بهتر عمل می‌کنند، باید دریابند که برای ما آنچه انجام می‌دهند و افرادی که با آنها در تماس هستند، اهمیت دارد. بسیاری از کودکان در رسانه‌های اجتماعی فعال هستند و از سنین پایین، مثلاً هفت سالگی، در طول بازی‌ها با دیگران گفت‌وگو می‌کنند. این موضوع، از اهمیت حضور بزرگسالی که در این مواقع مراقب کودک باشد خبر می‌دهد.

همانطور که از کودکانمان می‌پرسیم که مدرسه یا تمرین فوتبال چطور بود، می‌توانیم راجع به فعالیت‌های روزمره‌شان در اینترنت هم بپرسیم. «امروز اینترنت چه خبر بود؟» یا «کدامیک از دوستان‌ها تو امروز در اینترنت دیدی؟»

یک راه دیگر برای آغاز مکالمه با کودکان، درخواست کمک از آنهاست؛ بگذارید آنها کارشناس باشند: «فکر می‌کنی می‌تونم این عکس رو به اشتراک بگذارم؟» یا «می‌تونم این رو بنویسم؟» یا «وقتی یک نفر که نمی‌شناسم با من تماس برقرار کرد، چه کار باید بکنم؟» با پرسیدن این نوع سوال‌ها، به کودکان می‌آموزیم که در مورد چرخش اطلاعات، عکس‌ها و افراد در اینترنت بیاندیشند و متوجه شوند که این چرخش به طور «خودکار» اتفاق نمی‌افتد؛ چیزی است که خودمان تصمیم می‌گیریم و بر آن کنترل داریم. به کودکان نشان می‌دهیم که ما برای فضای مجازی حد و حدودی داریم و کمکشان می‌کنیم تا درک کنند که آنها نیز مرزهایی دارند.

وقتی با کودکان حرف می‌زنیم باید برای‌شان روشن کنیم که عده‌ای در اینترنت می‌خواهند به کودکان آسیب برسانند و همه‌ی افراد آنچه که خود را معرفی می‌کنند نیستند. به همان روش معمولی که به کودکان در مورد غریبه‌ها در خیابان هشدار می‌دهیم، باید در مورد کسانی که در اینترنت نمی‌شناسند هم هشدار دهیم.

توضیح دهید که در اینترنت دانستن اینکه چه کسی خوب است و چه کسی بد، سخت است؛ و فهمیدن اینکه واقعا چه کسی آن طرف دیگر نشسته غیرممکن است؛ یک عکس فقط یک عکس است. توضیح دهید هر کسی می‌تواند برای پنهان کردن هویت واقعی‌اش از عکس و اسم شخص دیگری استفاده کند. از فرصت استفاده کنید و بگویید که یک عکس می‌تواند به سرعت نور در اینترنت پخش شود و آنها نباید عکس خود یا شخص دیگری را جایی ارسال کنند، مگر اینکه مطمئن شوند ایرادی ندارد و کار درستی است.

اما قدغن کردن چیزها به ندرت روش تاثیرگذاری است. بهتر است گفته شود: «اگر در اینترنت کسی را ملاقات کردی که نمی‌شناسی، قبل از اینکه رابطه را با آن شخص ادامه دهی می‌خواهم که اول با من در میان بگذاری.» یک فرصت خوب برای طرح این قضیه زمانی است که گزارشی در یک رسانه درباره‌ی سوءاستفاده‌ی جنسی مطرح می‌شود، در این صورت گفت‌وگو طبیعی‌تر به نظر می‌رسد.

اینکه کودک آمادگی حرف زدن در مورد سوءاستفاده‌ی جنسی را با جزئیات دقیق‌تری دارد یا نه بستگی به سن و بلوغ شخصیتی او دارد. برای کودکان خردسال درک آنچه می‌گویید می‌تواند مشکل باشد؛ در حالی که درک آن برای کودکان

بزرگتر که پیرامون بدن انسان و رشد جنسی آموزش دیده‌اند آسان‌تر است. فارغ از موضوع سن و بلوغ، مهم است که به کودکان چیزهایی از این دست بیاموزیم که «تو همیشه برای نه گفتن به دیگران در اینترنت حق داری» و «همیشه به چیزهایی که برخلاف میل در حال اتفاق افتادن هستند، بگو نه!»

یک راه دیگر برای محافظت از کودکان در سنین مدرسه این است که به آنها بیاموزیم وقتی در سایت‌های گفت‌وگو هستند یا در یک شبکه اجتماعی عضو شده و حساب کاربری درست می‌کنند، هیچ‌وقت نام کامل، آدرس و شماره‌ی تلفن خود را فاش نکنند. چرا که کودکان، روی هم‌رفته صادق هستند و تمایل دارند تمام اطلاعات خواسته شده در فرم‌ها را پر کنند. این از آن مواردی است که والدین یا بزرگترها می‌توانند به کودکان کمک کنند تا طور دیگری فکر کنند. شما همچنین می‌توانید به کودکان یادآوری کنید که در اینترنت، یک عکس، تنها به واسطه‌ی آنکه آنها خودشان آن را پاک می‌کنند از بین نمی‌رود؛ ممکن است توسط دیگران جایی ذخیره شده باشد و برای همیشه در اینترنت بماند.

شاید ایده‌ی بدی نباشد که با مدرسه، انجمن بعد از مدرسه و باشگاه‌های ورزشی‌ای که کودک در آنها شرکت می‌کند، پیرامون رویکردشان در انتشار عکس‌ها و اسم‌ها در اینترنت صحبت کنید. هرچه اطلاعات بیشتری در اینترنت باشد، فریب و استثمار کودکان توسط مجرمان آسانتر می‌شود.

- از کودکان بپرسید که در اینترنت چه اتفاقی افتاد یا چه اتفاقی می‌افتد، درست همانطور که در مورد دیگر جنبه‌های زندگی‌اش از او سوال می‌کنید.
- از کودک راجع به اینکه چطور باید در اینترنت رفتار کنید بپرسید. این می‌تواند شروع یک مکالمه باشد و کودک را به فکر وا دارد.
- به کودک توضیح دهید افرادی که می‌خواهند به کودکان آسیب برسانند اغلب با اسم و عکس قلابی وانمود می‌کنند شخص دیگری هستند...
- به کودکان بگویید که اگر دوست ندارند و خوشحال و راضی نیستند نباید عکس خود را پست کرده و یا برای کسی بفرستند.
- به کودکان بیاموزید که هیچ‌وقت اطلاعاتی مانند اسم و آدرس و شماره تلفن خود را در سایت‌های گفت‌وگو و شبکه‌های اجتماعی فاش نکنند.

نوجوانان

درست مانند کودکان کوچک‌تر، لازم است به نوجوانان هم نشان دهیم که آنچه در اینترنت انجام می‌دهند و یا افرادی که در فضای مجازی ملاقات می‌کنند برای ما اهمیت دارد. همانطور که از کیفیت روزشان در مدرسه می‌پرسید، از آنها بپرسید «امروز اینترنت چه خبر بود؟». سعی کنید سوال‌هایی بکنید که راه را برای مکالمه با کودک باز کند. اما نمی‌توانیم انتظار پاسخ‌های طولانی و با جزئیات را از جانب آنان داشته باشیم و لازم است که این را بپذیریم. نوجوانان اغلب مشغول ساختن دنیای خودشان هستند و شاید مایل نباشند تجربه‌های‌شان را با بزرگترها سهیم شوند.

حتی اگر به عنوان والدین یا بزرگتر با مقاومت نوجوانان روبه‌رو شدید، مهم است که به پرسیدن سوال‌هایتان ادامه دهید و

نشان دهید که برای تان جالب است. از مرتباً گوشزد کردن نترسید. نباید فراموش کنیم که دوران نوجوانی دورانی است که کودکان هنوز به حمایت و پشتیبانی و درگیر بودن ما در زندگی‌شان و در اینترنت نیاز دارند. در طول همین سال‌ها، زمانی که تمایلات جنسی‌شان شکل می‌گیرد و آنها نیاز شدیدی به توجه و مورد پسند قرار گرفتن دارند، کودکان به شدت در معرض این خطر هستند که در اینترنت مورد سوءاستفاده قرار گیرند. مجرمین از این نیاز نوجوانان به تایید شدن آگاه هستند و به هنگام برقراری تماس با آنها در اینترنت، از این نیاز بهره‌برداری می‌کنند: برای مثال از طریق تملق و تعریف و تمجید کردن از ظاهر کودک.

کنجکاو بودن و کشف فضاهای جدید، بخش طبیعی رشد کودکان است. ما باید بدانیم همیشه اینطور نیست که دیگران با کودکان تماس برقرار کنند، بعضی اوقات خود آنها به طور فعال به دنبال افراد جدید و «جذاب» در اینترنت می‌گردند. ما همچنین لازم است تصویر ذهنی متنوعی از قربانی‌ها و مجرمین داشته باشیم و پدیده‌ی «مرد پیر پلید» را فراموش کنیم. فرد متخلف به راحتی می‌تواند کسی به سن و سال خود کودک باشد.

خیلی از نوجوانان از این خطرها آگاه هستند، ولی هنوز برای‌شان مشکل است که آن را به خود و اطرافیان‌شان ربط بدهند. توضیح دهید که ممکن است در میان تماس‌هایی که برقرار می‌کنند، افرادی باشند که آنچه وانمود می‌کنند نیستند - پشت این عکس و این اسم هرکسی می‌تواند پنهان شده باشد. درباره‌ی حد و مرزها حرف بزنید. به آنها بگویید که نه یعنی نه، و اگر حس خوبی نسبت به کسی نداشته باشند، هر لحظه حق دارند که تماس را قطع کنند. به نوجوانان بگویید که لازم نیست اسم‌شان را بگویند یا عکس‌شان را بفرستند یا خودشان را با دوربین نشان دهند. یک توصیه‌ی خوب این است که تا زمانی که کسی دوربینش را برای شما روشن نکرده، هیچوقت دوربینتان را برایش روشن نکنید.

گفت‌وگو پیرامون سوءاستفاده‌ی جنسی در اینترنت با جرئیات دقیق ممکن است هم برای بزرگترها و هم برای نوجوانان مشکل باشد. اما قسمت دشوار یا شرم‌آور مکالمه ممکن است برای محافظت از کودک در مقابل سوءاستفاده و خشونت جنسی بیشترین اهمیت را داشته باشد. به همین دلیل است که ما بزرگترها باید چالش را بپذیریم، حاشیه‌ی امن خود را ترک کنیم و درباره‌ی این مباحث مشکل حرف بزنیم. یک زمان خوب برای صحبت در این مورد که در عین حال عادی نیز به نظر برسد، زمانی است که در رسانه‌ها از آن صحبت می‌شود. افکار و احساسات خود را در مورد اخباری که می‌شنوید با او در میان بگذارید، اما سعی کنید باعث حس گناه و عذاب وجدان کودک نشوید. با نوجوانان کم‌سن‌تر، درباره‌ی حق‌شان نسبت به بدن‌شان صحبت کنید: «می‌دونی که هرکسی اختیار بدن خودش را دارد و می‌تونی نه بگی؟ تویی که تصمیم می‌گیری چی اشکال نداره.» همچنین به آنها یادآور شوید که هیچ‌کس حق ندارد عکسی بگیرد و آن را بدون اجازه پخش کند. توضیح دهید که این کار جرم است و صحبت کردن درباره‌ی آن هیچوقت دیر نیست، حتی اگر پیش از این کودک عکسی را فرستاده یا در حال حاضر اتفاقی افتاده باشد.»

احساساتی مانند شرم، گناه و عذاب وجدان ممکن است کودک را از صحبت پیرامون اتفاقات ناخوشایندی که در اینترنت

برایش پیش آمده باز دارد و این چیزی است که فرد متخلف از آن بهره می‌برد. به همین دلیل، خیلی خوب است که یک بزرگتر دیگر وجود داشته باشد که کودک بتواند به او مراجعه کند. اگر شما والدین کودک هستید، به فرد دیگری فکر کنید که بتواند حامی کودک شما در اینترنت باشد، خواهر یا برادر بزرگتر، خویشاوند یا بزرگتر دیگری که بتواند سوال‌های مناسبی بپرسد، طوری که نوجوان حس کند می‌تواند راحت حرف بزند. از طرفی به یاد داشته باشید که خود شما نیز می‌توانید همین بزرگتر مورد نظر برای فرزند فرد دیگری باشید. هم برای آنکه به افکار خودتان کمک کنید و هم اینکه تمایلتان را برای حرف زدن با فرزندان افراد دیگر نشان دهید، با سایر بزرگترها در مورد اینترنت بحث کنید.

سارا مورد سوءاستفاده‌ی جنسی در اینترنت قرار گرفته است.

سارا می‌گوید:

« من فکر می‌کنم اینترنت برای خیلی‌ها به معنی مورد تایید قرار گرفتن است. مورد تایید و توجه کسی قرار گرفتن حس جالبی است، و به همین دلیل هم این اتفاق می‌افتد. او در وب‌سایتی که من و دوستانم می‌گشتیم با من تماس گرفت. ابتدا کلی از من تعریف و تمجید کرد، ولی خیلی زود شروع کرد به گفتن چیزهایی درباره‌ی من که درست نبودند، و خیلی زود شروع کرد به تهدید و گفتن اینکه « تو چاقی، تو زشتی، ثابت کن که نیستی». او گفت که اگر برایش یک عکس بفرستم راضی می‌شود و دیگر نق نمی‌زند. اما او به نق زدن پایان نداد و درخواست کرد که با اسکایپ حرف بزنیم و قول داد که از من فیلم نگیرد.

من تماس او را مسدود کردم، اما او راه‌های جدیدی برای تماس پیدا کرد، با حساب‌های دیگر. حالا دیگر، او نام کامل من، محل زندگی، و لیست تیم‌های ورزشی‌ام را می‌دانست و در نتیجه دوستانم را هم می‌شناخت. او می‌گفت برای دوست‌هایم در فیس‌بوک گفته که می‌خواهد فیلم‌های مرا برای‌شان بفرستد. من سعی کردم بعضی کارهایی که او می‌خواست را انجام دهم تا دیگر تهدیدم نکند. اما بعضی اوقات هم از انجام بعضی کارها سرباز زدم؛ کارهایی که او می‌خواست من با خودم بکنم احساس بدی به من می‌دادند، هم جسمی و هم روحی. خیلی خونسرد و بی‌احساس بود و اصلاً برایش مهم نبود که چه کاری با من می‌کند و مرا مجبور می‌کرد کارهایی با خودم بکنم. کم‌کم مشکل خواب پیدا کردم، مدرسه نمی‌رفتم و همیشه احساس مریضی می‌کردم. او تهدید را ادامه داد و می‌گفت اگر دوربین کامپیوتر را روشن نکنم چه کارهایی انجام می‌دهد. او می‌گفت بدنت را نشان بده. وقتی گفت این آخرین بار است، من اعتماد کردم. چون به عنوان یک کودک، تو معمولاً به بزرگترها اعتماد می‌کنی. اما هیچ‌وقت آخرین بار نبود. من می‌خواستم در مورد او گزارش بدهم اما در صفحاتی که پیدا کردم، نوشته بود که این کار تنها در صورتی جرم است که زیر ۱۵ سال باشی. من تازه ۱۵ سالم شده بود. در نتیجه فکر کردم کاری که می‌کند جرم نیست و او را گزارش نکردم.

برای من بدترین اتفاقی که می‌توانست بیفتد این بود که خانواده‌ام بفهمند - گرچه الان که فکر می‌کنم، می‌بینم این می‌توانست بهترین اتفاق باشد. اما خیلی خجالت می‌کشیدم. نیاز داشتم بدانم که اتفاق پیش آمده، تقصیر من نبوده و کاری

که او با من می‌کرد جرم بود. من می‌خواهم همه بدانند که باید به کسی بگویند و از مادر، پدر، پلیس یا هرکس دیگر درخواست کمک کنند. بالاخره، من با یک موسسه در اینترنت تماس گرفتم و گفتم که چه اتفاقی افتاده است. کاش خیلی زودتر این کار را انجام داده بودم. شما با خود فکر می‌کنید که این اتفاق هیچ‌وقت برای تان پیش نخواهد آمد. فکر می‌کنید ممکن است برای دیگران اتفاق بیفتد، ولی برای شما نه... تا زمانی که اتفاق می‌افتد.

پدر سارا می‌گوید:

کودکان نمی‌خواهند پدر و مادرهای خود را ناامید کنند. به نظر من اینکه والدین بگویند «این اتفاق نباید برای تو بیفتد» خطرناک است. اگر تا آن موقع اتفاق افتاده باشد و فرزندتان از ترس اینکه ناامیدتان کند نتواند به شما بگوید چه؟ در عوض باید با کودکان حرف بزنید، در همان وب‌سایتی که آنها هستند باشید و غیره. از همان ابتدای کودکی از اینترنت با آنها صحبت کنید. اتفاقی که برای فرزند من افتاد مرا بسیار عصبانی کرد. اما از دخترم عصبانی نبودم، از خودم عصبانی و ناامید بودم و این خیلی مهم است که این را روشن کنیم. این در خانواده‌ی من اتفاق افتاد، هنگامی که ما در اتاق مجاور نشسته بودیم و این چیزی است که می‌تواند برای هرکسی اتفاق بیفتد. هوشیار بوده و مراقب هرگونه تغییر در رفتار و خلق و خوی کودکان تان باشید و نگرانی‌هایتان را جدی بگیرید. اصلاً شرم‌آور نیست که با والدین دیگر صحبت کنید و برسید آنها چه می‌کنند. برعکس، همین است که از کودکان مان محافظت می‌کند.

اگر نگران هستید.

اگر شک دارید که چیزی اشتباه است و مشکلی وجود دارد چه می‌کنید؟ چطور بین محافظت از کودکان و شکستن احترام آنها تمایز قائل می‌شوید؟ والدین و بزرگترها به سادگی می‌توانند مغلوب اضطراب و نگرانی شوند. برای آنکه بتوانید مشوق یک گفت‌وگوی باز با کودک باشید، باید مراقب تله‌هایی که در پایین ذکر شده باشید و از آنها اجتناب کنید:

سعی نکنید اتفاقات را پیش‌بینی کنید. حتی اگر شک دارید که نوعی از سوءاستفاده اتفاق افتاده است، تا زمانی که نسبت به چیزی مطمئن نشدید، هم به خاطر خودتان و هم به خاطر کودک، از حدس زدن خودداری کنید. اگر از بدترین حالت ممکن بترسید و تردید شما بی‌اساس از کار درآید، مشکل اصلی ممکن است ناگهان بی‌اهمیت و جزئی به نظر برسد. اما شرایط برای کودک احتمالاً همچنان خیلی جدی است و شما به عنوان بزرگتر باید گوش دهید و به او پیشنهاد کمک دهید.

هرآنچه که باعث نگرانی شما شده است، باید آن را جدی بگیرید. به عنوان یک بزرگتر، این وظیفه‌ی شماست که بعضی اوقات برخلاف میل کودک تان عمل کنید و برای رویارویی آماده باشید. وسوسه‌انگیز است که برای تعدیل اضطراب خود مانند یک افسر پلیس عمل کرده و به بررسی و تحقیق در مورد موضوع بپردازید. اما به جای اینکه مستقیم به سراغ عمل بروید و قبل از اینکه واقعا کاری جدی بکنید، بهتر است به کودک توضیح دهید که به چه فکر می‌کنید و چه کاری می‌خواهید بکنید؛ کارهایی مانند نصب کردن سیستم‌های امنیتی شبکه بر روی کامپیوتر، یا درست کردن پروفایل بر روی

سایتی که کودک‌تان در آنجا عضو است.

درباره‌ی سوءاستفاده‌ی جنسی در اینترنت حرف بزنید، توصیه دهید که مجبور کردن کودک به انجام کاری جرم است و روشن کنید برای اتفاقی که افتاده یا در حال افتادن است کودک سرزنش نمی‌شود. نشان دهید که اهمیت می‌دهید و در کنار او حضور دارید. ممکن است اولین باری که سوال می‌کنید پاسخی نگیرید، یا حتی دومین بار. احساسات شرم و گناه کودکان، صحبت درباره‌ی آنچه برای‌شان اتفاق افتاده را بسیار سخت می‌کند. ممکن است حرف زدن با والدین یا دیگر بزرگترها برای‌شان سخت باشد، برای همین مهم است که به آنها نشان دهیم گزینه‌های دیگری هم وجود دارد.

به یاد داشته باشید که شما به عنوان بزرگتر، لازم نیست اضطراب و نگرانی را به تنهایی با خودتان حمل کنید. گفت‌وگو با دیگر بزرگترها می‌تواند کمک بزرگی باشد. گرچه، اگر به طور اتفاقی گفت‌وگوی مشکوکی شنیدید یا فرزندتان درباره‌ی یک اتفاق با شما صحبت کرد، مهم است که موضوع را گزارش کنید. سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان جرم است و اگر وضعیت مشکوک است، پلیس باید موضوع را بررسی کند.

این مقاله ترجمه‌ای است از:

Schillaci, Maria (2015). *Netsmart: A handbook for grown-ups on how to protect children from sexual abuse on the internet*. Save the Children, Sweden

